

مدیریت انرژی با هدف تأمین انرژی پایدار و کاهش مصرف سوخت‌های فسیلی در محل ساختمان مرکزی این اداره کل ساخته شد. زمان شروع این پروژه ۲۰ آذر ۱۴۰۳ و اتمام آن ۳۰ بهمن همین سال بوده که تأییدیه پس از بررسی و انجام بازدیدها و تست‌های فنی در ۲۵ خرداد سال جاری گرفته و این نیروگاه با هزینه‌کرد و اعتباری حدود ۱۰ میلیارد ریال ساخته شد.

وی همچنین از راه‌اندازی درگاه ارتباطی جدیدی برای برقراری ارتباط دوسویه و خدمت‌رسانی به افراد ناشنوا و کم‌شنوا با عنوان سامانه «اشارک» خبر داد.

نیروگاه خورشیدی ۳۰ کیلوواتی در بیرجند افتتاح شد

پروژه نیروگاه خورشیدی ۳۰ کیلوواتی متصل به شبکه اداره کل بیمه سلامت، امروز همزمان با هفته دولت و با حضور معاون توسعه مدیریت و منابع استانداری خراسان جنوبی در بیرجند افتتاح شد.

به گزارش ایرنا، مدیر کل بیمه سلامت خراسان جنوبی روز چهارشنبه در این آیین گفت: این نیروگاه خورشیدی با ظرفیت ۳۰ کیلووات متصل به شبکه در استای تصویب نامه هیئت وزیران و در چارچوب اهداف سازمان در حوزه

برنامه و بودجه، ۵/۵۲ درصد از تعهدات استانی و ۵۱ درصد از تعهدات دستگاه‌های ملی محقق شده است. تعهدات سفر دولت به استان قرار است در مدت سه سال محقق شود و تاکنون ۲۷ هزار و ۸۱۰ میلیارد ریال اعتبار تملک‌دارایی و سرمایه‌ای برای خراسان شمالی تخصیص یافته است.

وی افزود: در مجموع در سفر دولت به استان ۴۷ مصوبه به ارزش ۲۸۰ هزار میلیارد ریال به تصویب رسید و تاکنون ۹۱۱ طرح برای دریافت تسهیلات از محل مصوبات سفر دولت به بانک‌ها معرفی شده است.

اختصاص ۳۵ درصد از اعتبارات عمرانی سفر دولت به خراسان شمالی

رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی خراسان شمالی گفت: از مجموع ۸۰ هزار میلیارد ریال اعتبار عمرانی مصوب در سفر دولت چهاردهم به این استان، تاکنون ۹/۳۴ درصد تخصیص یافته است.

مرتضی بهزادفر در نشست خبری به مناسبت هفته دولت اظهار کرد: تأمین این اعتبار از سه منبع شامل سازمان برنامه و بودجه، منابع استانی و دستگاه‌های ملی انجام شده است. تاکنون ۳۰ درصد از تعهدات سازمان

www.qudsonline.ir پنجشنبه ۶ شهریور ۱۴۰۴ ۴ ربیع الاول ۱۴۴۷ ۲۸ آگوست ۲۰۲۵ ۱۱ سال سی و هشتم ۱۰۷۲۸ شماره

همسر شهید سید مصطفی جعفری از شهدای هوافضای سپاه در جنگ تحمیلی ۱۲ روز ه، از ویژگی های خاص همسر شهیدش می گوید

شهیدی که جانش را برای امام زمانش کنار گذاشته بود



■ **عکس سردار شهید حاجی زاده در جشن عید غدیر**

توکل درباره آخرین دیدار و تماسشان بیان می‌کند: نخستین روز جنگ، پیش از آنکه خبر شهادت جمیع زیادی از فرماندهان نظامی بیاید، همسر در کارهای منزل برای جشن عید غدیر به من کمک می‌کرد تا خانه را برای فردای آن روز که جشن داشتیم، آماده کنیم. پس از انتشار خبر، همسر گفت «خانم با این وضعیت چه کار کنیم؟» آن موقع من هم نمی‌دانستم چه کنم. ذهنم درگیر این موضوع بود. پس از پیام رهبر معظم انقلاب، دلمان قرص شد و کارهایمان را برای جشن ادامه دادیم. همسر هم عکس بزرگی از سردار شهید حاجی‌زاده را در خانه نصب کرد تا در جشنمان از این شهید نیز یاد کنیم، صبح روز عید غدیر همسر من را بیدار کرد و گفت «خانم من می‌خواهم به مأموریت بروم». اورفت و همان آخرین خداحافظی ما بود.

او ادامه می‌دهد: همسر خیلی شوخ طبع بود و عصر عید غدیر با ما تماس گرفت و به شوخی گفت: «کسی هم به خانه‌مان آمد؟» گفت: «بله» پرسید: «کجا آمدن وقتی من نیستم؟» گفت: «فکر کردید میهمانان فقط برای شما می‌آیند؟» خیلی خندید و بیان کرد: «دارم وارد منطقه‌ای می‌شوم که دیگر نمی‌توانم با شما تماس بگیرم. مواظب بچه‌ها باش و نگران نباشید». این موقعیت قبلاً هم برای ما پیش آمده بود به همین خاطر زیاد نگران نبودیم؛ اما دو روز پس از اعلام آتش‌بس، خبر شهادت همسر را به ما دادند و بعد متوجه شدیم بامداد ۲۶ خرداد شهید شده بود.

همسر شهید سید مصطفی جعفری با تأکید بر اینکه شهدا را از مردم عادی جدا نبینید و تصویری از آن‌ها نسازید که مردم فکر کنند انسان‌های خیلی خاص و ویژه‌ای بودند، خاطرنشان می‌کند: همسر خیلی به نماز اول وقت اهمیت می‌داد و ما را به نماز اول وقت توصیه می‌کرد. با وجود این در وصیت‌نامه‌اش گفته است برای احتیاط یک سال نماز قضا برایم بخوانید. او خیلی اخلاق خوبی داشت، بسیار مهربان بود و هوای بچه‌ها را داشت، دخترهایمان را خیلی مورد اکرام قرار می‌داد. آقا سید مصطفی خیلی اخلاص داشت و اگر چیزی می‌گفت، متوجه می‌شدیم از اعماق وجودش است و دروغ نمی‌گوید.

ساعتی در منزل ما ماند. در این مدت فقط یک بار با پدرم بیرون رفت و صحبت کرد. یک روز پدرم من را کنار کشید و گفت: «نظر شما در مورد آقا سید مصطفی چیست؟» نظر خودم را به پدرم گفتم. پس از مدتی پدر و مادر همسر دوباره تماس گرفتند و قرار شد آبان سال ۸۹ برای صحبت‌های اولیه خواستگاری به همدان بیایند. بعداً از پدرم علت موافقتش را پرسیدم و او بیان کرد: «یک کلمه به من گفت و من نتوانستم نه بگویم». سید مصطفی به پدرم گفته بود «شما از داماد آینده‌تان چه می‌خواهید؟ غیر از اینکه سعادت دخترتان را تأمین کند؟ من هر چه داشته باشم، تمام و کمال در اختیار دخترتان می‌گذارم، فقط جانم را نمی‌توانم تضمین کنم چون جانم را می‌خواهم برای امام زمانم بگذارم». این را زمانی گفت که هنوز پاسدار و نظامی نبود و سال آخر کارشناسی بود. این حرف همسر نظر پدرم را مثبت کرد. توکل با بیان اینکه از نخستین خواستگاری چهار سال طول کشید تا عقد کردیم، خاطرنشان می‌کند: پس از عقد، همسر به سربازی رفت و با اتمام سربازی وارد سپاه شد. دو ماه طول کشید در کارش مستقر شود و سپس زندگی مستقل را از سال ۹۲ آغاز کردیم. ثمره ازدواج ما سه فرزند است. دختر بزرگ حسنا سادات یازده ساله، دختر دوم ضحی سادات هشت ساله و پسر سید محمد هم سه ساله است.

او با بیان اینکه آقا سید مصطفی همیشه بحث شهادت را پیش می‌کشید، هر وقت کاری می‌کرد و بقیه می‌خواستند برایش دعای خیری بکنند، می‌گفت «دعا کنید شهید شوم». می‌گوید: همسر وقتی به مأموریت‌های برون‌مرزی می‌رفت، دلم خیلی آشوب بود و نمی‌شدم؛ اما به زبان نمی‌آوردم. به اینکه خیلی نگران بودم؛ اما دو سه سال پیش با خدا خلوتی کردم و از او خواستم کاری کند من مانع پیشرفت و رسیدن همسر به جایی که دوست دارد نشوم. این روزهای آخر نیز به این نتیجه رسیده بودم اگر واقعاً دوستش دارم، باید این راز خدا بخواهم تا به آن چیزی که آرزویش را دارد، برسد.

همسر شهید سید مصطفی جعفری یادآور می‌شود: همسر هیچان کاری برایش خیلی مهم بود. وقتی مأموریتی پیش می‌آمد، همیشه داوطلب بود. کارشان شیف‌ت‌بندی داشت؛ اما می‌گفت هرکس نیست و می‌خواهد برود، من به جایش هستم. همیشه می‌گفت این کار پر از تجربه و حادثه است و من این‌ها را دوست دارم.

فریده خسروی قصه شهدا، ماجرای آدم‌های خاص و ویژه نیست؛ ماجرای آدم‌های عادی است که در لحظاتی از زندگی‌شان که در دوره‌ای‌ها گیر کرده بودند، انتخاب‌های درستی داشتند. هیچ کدامشان غیب نمی‌دانستند و شهدی نداشتند که بدانند خداوند برای چند روز بعدشان چه چیزی در نظر دارد؛ تنها در مسیری قدم‌زنند که درست بودن آن را با قلبشان تصدیق می‌کردند. شهید سید مصطفی جعفری هم از همان شهداست که راهش را پیش از آنکه لباس سبز پاسداری را بر تن کند، انتخاب کرده بود. او که در کوچه پس‌کوچه‌های محله طبرسی قد کشیده، با آرزوی خلیان شدن، مهندسی مکانیک گرایش ماشین‌افزار خوانده بود؛ اما پس از ورود به هوافضای سپاه، انگار تازه به علاقه اصلی خود رسید و از انتخابش راضی بود.

معصومه توکل، همسر شهید سید مصطفی جعفری درباره چگونگی آشنایی‌اش با این شهید می‌گوید: همسر پسر خاله‌ام بود و باهم همسن بودیم و تفاوت سنی‌مان فقط چند روز بود. نخستین بار که همسر به پیشنهاد پدرش از من خواستگاری کرد، حدود ۱۹ یا ۲۰ سال داشتیم. وقتی با ما تماس گرفتند و موضوع خواستگاری را مطرح کردند، خانواده من به‌خصوص پدرم با این موضوع مخالفت کردند. نظر او همیشه این بود که دختر به راه دور و فامیل نمی‌دهم.

■ **جانم را می‌خواهم برای امام زمانم بگذارم**

اومی‌افزاید: هنگامی که همسر دانشجوی کارشناسی بود، بار دیگر خاله‌ام برای خواستگاری با ما تماس گرفت و گفت این بار خود آقا سید مصطفی برای خواستگاری اصرار دارد. پدرم باز هم مخالفت کرد. دو سال پس از خواستگاری اول همسر از من، متوجه شدم هر خواستگاری که به منزل ما می‌آید، ناخودآگاه او را با آقا سید مصطفی مقایسه می‌کنم و این موجب شد درگیری ذهنی با خودم داشته باشم. به همین خاطر به مشهد رفتم تا دلم را یکدل کنم. همسر در کرج دانشجو بود. چند روزی در مشهد ماندیم و همسر به صورت غیرمنتظره وسط ترم به مشهد آمد. سپس خودش سر صحبت و خواستگاری را باز کرد و نظرم به این خواستگاری مثبت شد.

همسر شهید سید مصطفی جعفری اضافه می‌کند: یک روز به طور خیلی غیرمنتظره همسر تنها به همدان آمد و ۲۴

پاسخ مدیر ارشد منطقه شمال شرق شرکت خدمات ارتباطی ایرانسل در خصوص مشکل آنتن دهی اپراتور ایرانسل در منطقه ابوطالب

با سلام. به اطلاع می‌رساند این منطقه نیازمند احداث یک سایت مخابراتی جدید است که با همکاری شهرداری مشهد موضوع پیگیری می‌شود.



گوش شنوا و دست پیگیر شما صدات رو به مسئولین برسون

شناسه ما در فضای مجازی
@QudsKhorasan



کرایه اتومبیل علیرضا شاهزادانی
خودرو با راننده و بدون راننده
ایرانی و خارجی (رهنورد)
۰۹۱۵۵۱۱۵۶۹۲-۳۶۰۲۶۶۶۶

www.qudsonline.ir

پایگاه خبری تحلیلی
قدس آنلاین
همیشه حقیقت با شما...

امداد خودروی یدک کش
و چرخگیر هیدرولیک
سراسر مشهد
۰۹۱۵۴۱۲۲۲۴۰-۰۹۱۳۰۸۰۴۸۱۸